

مدارس قدیم قم

بطوریکه از مراجعه بکتابهای تاریخ و رجال و تراجم بدست میآید ، قم از روزگار زندگی امام صادق (ع) - اواسط قرن دوم هجری - تاکنون همواره محل اقامت گروهی از دانشمندان و محدثان و فقهاء بزرگ شیعه بوده ، و در هیچ دوره و عصری از وجود چند تن از اعلام و بزرگان فقهاء و علماء خالی نبوده است . بهمین جهت همیشه گروهی از دانش پژوهان و طالبان علوم نیز در این شهر مجتمع شده ، و باخذ احادیث - در قرون اول - و تحصیل فقه و سایر دانشهای مذهبی - در قرون بعد - اشتغال داشته‌اند و باین ترتیب میتوان گفت که « حوزه دینی قم » قدیم‌ترین مرکز نشر علوم اسلامی است که تاکنون باقی مانده ، و در حدود سه قرن برحوزه دینی دیگری که در اواسط قرن پنجم در نجف اشرف تأسیس یافت ، تقدم زمانی دارد .

در قرنهای دوم و سوم تعداد بسیار زیادی از راویان اخبار و محدثان شیعی از این شهر برخاسته و یا در آن اقامت نموده اند . علت اساسی و عمده روی آوردن محدثان و فقهاء شیعه و پروان مکتب اهل بیت از سایر نقاط باین شهر ، سختگیریها و تضيیقات فسرآوانی بود که در قرون نخستین نسبت بطرفداران خاندان پیامبر - ص - از سوی خلفاء عباسی و اموی و حکام و والیان آنان بمعمل میآمد . و بهمین جهت بیشتر آنان از شهرهای عراق و بلاد

عربی بایران آمده ؛ و اغلب در قم اقامت مینمودند که يك محیط شیعی صرف و خالص ، و تا حدود زیادی از سلطه و دخالت مستقیم عمال خلفاء بدور بود مخصوصاً از اواخر قرن دوم که والی قم از خاندان عرب اشمری - که شیعیانی اصیل و با سابقه بودند - انتخاب میشد ؛ و از جانب خلیفه وقت امور شهر را اداره مینمود . در این سالها بود که قم و حوزه دینی آن اندک اندک جایگیر حوزه دینی کوفه - که قبلاً مرکز روایت و محدثین بوده - گردید . و کوفه بمرور زمان مرکزیت خود را از دست داد .

برای پی بردن بعظمت و اهمیت فوق العاده حوزه مذهبی قم ذکر این موضوع کافی است که « حسین بن روح » سومین نایب خاص ولی عصر (ع) - که طبعاً با خود آنحضرت مستقیماً مربوط و متصل بوده است - کتاب «التأدیبه» را بقم فرستاد . و از فقهاء آن شهر در خواست نمود که کتاب مزبور را بخوانند و چنانچه در آن مطلبی مخالف با عقائد فقهی خود یافتند ، اطلاع دهند (۱) .

درفهرست ابواب و فصول تاریخ قدیم قم (تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی در سال ۳۷۸) که در مقدمه ترجمه فارسی کتاب دیده میشود ، چنین آمده است :

« باب شانزدهم - در ذکر اسامی بعضی از علماء قم و عدد خواص ایشان . و ایشان دویست و شصت و شش نفر بوده اند (یعنی کسانی که شرح حال آنان در کتاب مزبور ذکر شده بوده) و عدد عامه از اهل قم که بقم مشهور بوده اند ، و آنان چهارده نفر بوده اند ... » (۲)

در اواسط قرن پنجم ، بدنبال اقامت فقهاء بزرگ شیعه در بغداد و سپس

۱- الکنی واللقاب . جلد سوم - ص ۷۶ بنقل از کتاب النبیة شیخ طوسی .

۲- ترجمه تاریخ قم ، ص ۱۸ . مجلسی در شرح فارسی خود بر کتاب

من لایحضره الفقیه صدوق ، عدد محدثین قم را در دوره علی بن بابویه قمی

(اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم) دویست هزار نفر نوشته است ؛ -

رجوع شود بمقدمه چاپ جدید من لایحضره الفقیه - جلد اول . ص «د» .

در نجف اشرف بتدریج شهرهای مزبور بصورت مراکز علمی شیعه درآمدند. لیکن با اینهمه قم همچنان بعنوان يك حوزه علمی پروتق و با اهمیت باقی ماند. موقعیت و اهمیت خاصی که قم در آن دوره بدست آورده بود (۱) در شکوه و عظمت حوزه علمی آن نقش مؤثری داشته است.

عالم جلیل و متکلم بزرگ شیمی در قرن ششم « شیخ عبد الجلیل رازی قزوینی » در کتاب شریف و نفیس « النقص » که بسال ۵۵۶ در پاسخ یکی از متعصبین اهل تسنن - که کتابی بنام بعض نواقض الروافض در رد شیعه نوشته بوده - تألیف نموده است ، چنین مینویسد :

« ... آنکه گفته که در هر شهری که رافضیان غلبه دارند، دین و شریعت را در آنجا جمالی و رونقی نباشد ، و جمع اهل رفض را بهائی نبود ؛ چون قم و کاشان و آبه و ورامین و ساری و ارم که قرینه الموت است و خیر العمل آشکار گویند. و در مصلحگاه ری و خراسان و سبزوار ، این جماعت بی شرع را قوتی نبود، و مسجد های ایشانرا نوری نه .

جواب این فصل آنست که معلوم است در شهر قم که همه شیعه اند، آثار اسلام و شعار دین و قوت اعتقاد چگونه باشد از جوامع ... و کراسی علماء و نوبت عقود مجالس و کتب خانه های ملاء از کتب طوائف و مدرسه های معروف معمور ... مفسران عارف بمنزلات و مؤولات ، و ائمه نحو و لغت و اعراب و تصریف و شعرای بزرگ و فقهاء و متکلمان از اسلاف باخلاف رسیده ... » (۲)

۱- در دوره سلجوقی قم باندازه ای بزرگ بوده است که در دو جای آن

نماز جمعه برپا میشده .

۲- النقص . ص ۱۶۲ و ۱۶۳ . شیخ عبد الجلیل در جای دیگری از کتاب که مشخصات اهالی شهرهای شیعه نشین را بیان میکند ، از قمیان بعنوان « قاریان و علماء » یاد مینماید (... و وزیران کاشان و قاریان و علماء قم و سادات و شیعه قزوین ... - ص ۴۷۵) و این شاهدیست که مرکزیت علمی قم در آن دوره نیز بجای بوده است.

با توجه باینکه تا قرن چهارم ، علوم درمساجد و خانقاهها ومراکزى از این قبیل تدریس وتحصیل میگردد ، و محلی بنام «مدرسه» برای آموزش علوم وجود نداشت (۱) ، واضح است که در تاریخ قم فصلی مربوط بمدارس این شهر وجود ندارد . و در فهرست ابواب و فصول قسمت مفقود شده آنها از مدارس قم ذکرى دیده نمیشود .

از اواخر قرن چهارم کم کم بنای مراکزى بنام «مدرسه» برای آموزش علوم اسلامى وسایر دانشهای متداول آن عصر در شهرهای نیشابور و طوس و . . . آغاز گردید (۲) . و در نیمه دوم قرن پنجم بسابنای نظامیه های خواجه نظام الملک ، مدارس مشابه دیگر در گوشه و کنار و شهرهای دیگر ایران آن عهد بوجود آمد .

قدیم ترین مدارس قم :

قدیم ترین و نخستین مدارسى که در قم بنیاد نهاده شد ، همانهاست شیخ عبدالجلیل رازى در کتاب النقض یاد کرده ، و از آن جمله ۹ مدرسه را نام برده ، و نوشته است که : « بذکر همه کتاب مطول شود » (۳) .

۹ مدرسه ای که شیخ عبدالجلیل رازى نام برده ، و قسمتى از مدارسى است که از نیمه دوم قرن پنجم تا سال ۵۵۶ - سال تألیف النقض - در این شهر بنا گردیده بوده است ، باین شرح میباشد :

۱- مجله آموزش و پرورش . سال نهم . شماره ۳ مقاله آموزش قدیم بقلم شبلى نعمانى ، ترجمه فخرداعى (بنقل آقای محمد تقى وحیدیان در مجله نامه استان قدس شماره ۱۳) .

۲- از قدیم ترین مدارس اسلامى ، مدرسه طابران طوس است که برای الحاتمی دانشمند قرن چهارم (در گذشته ۳۹۶) ساخته شد (تاریخ ادبیات ایران آقای دکتر صفا - ج ۱ - ص ۲۲۶) .

۳- النقض . ص ۱۶۴ .

- ۱- مدرسه سعد صلت .
- ۲- مدرسه اثیرالملک .
- ۳- مدرسه سید سعید عزالدین مرتضی قدس الله روحه .
- ۴- مدرسه سید امام زین الدین امیره مشرف شاه الحسنی که قاضی و حاکم است .
- ۵- مشهد سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام با اوقاف و مدرسه و فقهاء وائمه بزینت تمام و قبولی عظیم (۱) .

۱- عجیب است که آقای لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سر- زمینهای خلافت شرقی ، (ترجمه محمود عرفان - ص ۲۲۷) می نویسد :
 «این نکته شایان توجه است که نهمستوفی و نه هیچکدام از مؤلفان قدیم ذکری از مزار حضرت معصومه در آنجا (قم) نکرده اند» !!

برای آنکه میزان مطالعات آقای لسترنج و چندتن دیگر از نویسندگان معاصر - که عین همین عبارت را در نوشته های خود نقل نموده اند- روشن و معلوم شود ، خوانندگان محترم و فاضل باین مصادر مراجعه فرمایند :

الف- تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی در سال ۳۷۸ (بتصحیح آقای سید جلال الدین تهرانی) صفحه ۲۱۲ تا ۲۱۴ که جریان ورود حضرت معصومه و وفات حضرتش در قم و وضع قبه و بنای مدفن مقدس رادر قرن چهارم بتفصیل نوشته است .

ب- کتاب النقض تألیف شیخ عبدالجلیل رازی در ۵۵۶ (باهتمام و تصحیح جناب آقای محدث ارموی) صفحه ۱۶۴ (که عبارتش در بالا نقل شد) و صفحه ۲۲۰ (که در حالات امیرابوالفضل عراقی می نویسد : مشهد و قبه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام او کرد . . .) و صفحه ۱۶۵ (که در آن صفحه در وصف قم چنین می نویسد : و نور و برکت و نزت مشهد سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر ظاهر و باهر ، و امراء و وزراء آنرا معتقد ،

- ۶- مدرسه ظهیرالدین عبدالعزیز .
 ۷- مدرسه استاد ابوالحسن کمیج (۱)
 ۸- مدرسه شمس‌الدین مرتضی باعترت و آلت و مدرس و درس .
 ۹- مدرسه مرتضی کبیر شرف‌الدین با زینت و آلت و حرمت و قبول . (۲)
 این مدارس طبعاً تا قرون بعد باقی بوده ، و مورد استفاده طالبان علوم دینی قرار می‌گرفته است . لیکن در حال حاضر از هیچ یک از آنها اثری بجای نمانده ، و تنها مدرسه‌ای که در نیمه اول قرن دهم بجای مدرسه سابق «مشهد مقدس حضرت فاطمه معصومه» که ظاهراً در مکانی که اکنون صحن کهنه قرار دارد ، واقع بوده - بنا گردیده است ، از برکات و فیوضات مزار کثیر الانوار حضرتش همچنان باقی و دائر است . چنانکه در ذیل عنوان «مدرسه فیضیه» تذکر خواهیم داد .
 (ناتمام)

بآثار خیرات و انوار برکات که دیده‌اند و شنیده‌اند . . .) و صفحه ۶۴۳ (. . .) و اهل قم زیارت فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر که ملوک و امراء عالم - حنفی و شافعی - زیارت آن تربت تقرب نمایند . . .) و موارد دیگر .
 ج - تاریخ گزیده همان حمدالله مستوفی که نام برده‌اند (بتصحیح و اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی - ص ۲۰۵) در ذکر اولاد حضرت کاظم (ع) بیست و هشت دختر داشت . . . سنی فاطمه که بقم مدفونست . . .

این در کتب و متون فارسی ، اما در کتابهای عربی و تسواریخ و کتب احادیث شیعه که در مصادر بسیاری تصریح باین مطلب شده ، و نیازی بذکر اسامی و نقل عبارات آنها نیست .

۱ - ظاهراً این کلمه مرکب است از «کم» نام قدیم قم و «یج» نسبت - مانند یوشیج در نسبت به یوش - در این زمینه تحقیقی در فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدان‌شگاه (ج ۳ - بخش سوم پاورقی ص ۱۱۷۹) شده ، که بحثی مفید و قابل استفاده است .